





موقعیت جغرافیایی استان بوشهر

استان بوشهر با مساحتی حدود بیست و هفت هزار و شش صد و پنجاه و سه کیلومتر مربع بین بیست و هفت درجه و چهارده دقیقه عرض شمالی و پنجاه درجه و شش دقیقه تا پنجاه و دو درجه و پنجاه و هشت دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. این استان از شمال به استان خوزستان و قسمتی از کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب به خلیج فارس و قسمتی از استان هرمزگان، از شرق به استان فارس و از غرب به خلیج فارس محدود است. استان بوشهر با خلیج فارس بیش از شش صد کیلومتر مرز دریایی دارد و از اهمیت سوق‌الجیشی و اقتصادی قابل توجهی برخوردار است. بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی کشور استان بوشهر مشتمل بر هشت شهرستان، هفده بخش، سیزده شهر، سی و شش دهستان و شش صدم آبادی دارای سکنه است. شهرستان‌های استان بوشهر عبارتند از: بوشهر، تنگستان، دشتستان، دشتی، دیر، دیلم، کنگان و گناوه.

جغرافیای تاریخی استان

به طوری که از اسناد و اطلاعات برمی آید، این منطقه به علت موقعیت استراتژیکی مناسب برای احداث پایگاه دریایی و بندرگاه، مورد استفاده پادشاهان عیلام قرار می گرفت. در زمان هخامنشیان که کشور ایران به بیست ساتراپ نشین (استان) تقسیم می شد، سرزمین بوشهر جزء ساتراپ نشین پارس بود. داریوش فرمان داد که حفر ترعه نیل به دریای سرخ را دنبال کنند. این کانال محققاً راهی بود که به جای کانال سوئز امروز می توانست خلیج فارس و دریای عمان را از طریق دریای سرخ مستقیماً به مصر و مدیترانه اتصال دهد. مقابر کنده شده بر سطح سنگی جزیره خارک دلیل بر حضور سربازان هخامنشی در استان بوشهر است که برای نگهبانی از چنین راه طولانی تدارک شده بود. خلیج فارس به دلیل موقعیت سوق الجیشی و به لحاظ اهمیت اقتصادی و بازرگانی، در طول تاریخ همواره از سوی کشورها و دولت ها برای تبادل علم و ثروت و گسترش قدرت مورد توجه قرار گرفته است. اولین یورش دولت های اروپایی به سواحل خلیج فارس در سال هزار و پانصد و شش میلادی با حمله پرتغالی ها تحت عنوان محافظت و حراست از منافع پرتغال در برابر تجار مصری و ونیزی صورت گرفت. در سال هزار و سیزده هجری قمری شاه عباس با انگلیسی ها متحد شد و دست پرتغالی ها را از خلیج فارس کوتاه کرد.

از سال هزار و صد و چهل و هشت هجری قمری نادرشاه بوشهر را که دهکده ای بیش نبود مورد توجه قرار داد و مشغول آماده کردن بوشهر به عنوان یک بندر و اسکله کشتی سازی با استفاده از چوب جنگل های مازندران شد. همچنین برای تأمین ارتباط جزایر و سواحل خلیج فارس درصدد تأسیس نیروی دریایی برآمد. در سال هزار و صد و چهل و هشت هجری قمری لطیف خان را به ایالت دشتستان و کاپیتانی کل سواحل خلیج فارس انتخاب و اعزام کرد. این شخص برای تهیه ناوگانی در خلیج فارس، بوشهر را مرکز دریایی خود قرار داد. در اواخر سلطنت نادر ایران بیست و سه تا بیست و پنج فروند کشتی جنگی در خلیج فارس داشت. بدین ترتیب از زمان نادرشاه بوشهر روی به پیشرفت نهاد و حتی مدتی بندرعباس را نیز تحت الشعاع خود قرارداد. پس از قتل نادر در اثر هرج و مرجی که در ایران پدید آمد، کشتی های جنگی توسط حکمرانان و شیوخ اطراف خلیج فارس ضبط گردید. همچنین بندر بوشهر و بندرعباس نیز اهمیت سابق خود را از دست دادند. تجار هلندی که در سال هزار و شش صد و بیست و سه میلادی روابط تجاری خود را با ایران شروع کرده بودند پس از قتل نادر ایران را ترک کردند و بصره را مرکز تجارت خود قرار دادند، اما پس از مدتی در اثر دسیسه رقبای انگلیسی و به منظور نزدیکی بیشتر با دهانه خلیج فارس، تأسیسات تجاری خود را به خارک منتقل کردند و در عین حال از پرداخت اجاره بهای خارک به میرمهنا حاکم بندر ریگ و جزیره خارک خودداری نمودند.

میرمهنا در سال هزار و هفتصد و پنجاه و شش به تأسیسات هلندی ها حمله برد، دژ آنها را تسخیر کرد و آنها را از جزیره بیرون راند، ولی به سبب اینکه در دفعات متعدد بنای سرکشی و تمرد از دستورات کریم‌خان زند را گذاشت و مدتی آرامش خلیج فارس را بر هم زد، کریم‌خان او را شکست داد و جزیره خارک و بندر ریگ را تصرف کرد. در همین زمان نفوذ انگلیسی‌ها در سواحل و جزایر خلیج فارس و به خصوص سرزمین بوشهر روبه گسترش نهاد و آنها موفق شدند اجازه تأسیس تجارتخانه‌ای را در بوشهر با امتیازات فوق‌العاده به دست آورند. سلسله قاجاریه که پس از زندیه روی کار آمد چندان نفوذی در خلیج فارس نداشت، به همین دلیل، رفته رفته نفوذ انگلیسی‌ها در خلیج فارس بیشتر شد و زمام امور خلیج فارس و دریای عمان به دست آنها افتاد و جنرال کنسول در بوشهر مدت بیست سال بر همه خلیج فارس حکمرانی کرد. در زمان ناصرالدین‌شاه ارتش ایران هرات را اشغال کرد و به دنبال آن حالت جنگی بین ایران و فرانسه و انگلیس به وجود آمد. به دنبال این مسئله ناوگان انگلیس در خلیج فارسی مرکب از هشت کشتی جنگی و تعدادی ناوگان بخاری و بادی به ایران حمله کردند و جزیره خارک را متصرف شدند. پنج روز پس از آن قوای انگلیسی در حوالی بوشهر در خاک ایران پیاده شدند و شروع به پیشروی به سوی برازجان کردند. قوای ایران برازجان را تخلیه و عقب‌نشینی کرده بود. بنابراین قوای انگلیس انبار اسلحه و مهمات برازجان را منفجر کرد و سپس به بوشهر بازگشت. سرانجام در نبردی که در نهم ژانویه هزار و هشتصد و پنجاه و هفت میلادی در خوشاب بین ایران و انگلیس رخ داد، انگلیسی‌ها موفق شدند سپاه ایران را شکست دهند. بیش از جنگ اول جهانی بار دیگر دولت انگلیس منطقه بوشهر را مورد تجاوز قرار داد و در سال هزار و نهصد و سی‌و‌سیزده میلادی جنگ سختی بین نیروی انگلیس و دلیران دلواری در گرفت. در جریان این جنگ رئیس علی دلواری و مردم تنگستان و دشتستان نقش برجسته‌ای ایفا کردند. رئیس علی دلواری از مشروطه خواهان بنام جنوب ایران بود که در سال هزار و دویست و نود و نه هجری قمری در روستای دلوار تنگستان دیده به جهان گشود. در بیست و پنج سالگی به صفوف مبارزین مشروطه‌خواه جنوب ایران پیوست و همکاری نزدیکی را با محافل انقلابی و عناصر مشروطه طلب ایران شروع کرد. با کودتای ضد انقلابی لیاخوف روسی علیه مشروطه‌خواهان در هزار و سیصد و بیست و شش هجری قمری و بمباران مجلس شورای ملی و استقرار دیکتاتوری محمدعلی شاه قاجار، رئیس علی به همراه سیدمرتضی علم‌الهدی اهرمی به مبارزه علیه استبداد صغیر پرداخت. در سال هزار و سیصد و بیست و هفت هجری قمری با کمک تفنگچی تنگستانی، بوشهر را از عناصر مستبد وابسته به دربار محمدعلی شاه پاک کرد و اداره گمرک و انتظامات و دیگر ادارات را تسخیر کرد. این کار دلیران تنگستان بر انگلیسی‌ها که اداره گمرک را در اجاره داشتند گران آمد و آنان برای تضعیف مشروطه‌خواهان و استمرار

سلطه بر حیات اقتصادی و سیاسی جنوب ایران به جنگ با دلیران تنگستانی پرداختند و در این راه از دیگر خوانین جنوب ایران یاری جستند. جنگ بین رئیس علی و دلیران تنگستان از یک طرف و انگلیسی‌ها و خوانین متحد آنان از سوی دیگر به طور متوالی و پراکنده تا شوال هزار و سیصد و سی و سه ه.ق ادامه یافت و انگلیسی‌ها نتوانستند بر رئیس علی و یارانش تفوق یابند. تا این که درگیر و دار حمله انگلیسی‌ها به بوشهر در شب بیست و سه شوال هزار و سیصد و سی و سه ه.ق (سوم سپتامبر هزار و نهصد و پانزده میلادی) هنگامی که رئیس علی در محلی به نام «تنگک صفر» قصد شبیخون به قوای انگلیسی‌ها را داشت، از پشت مورد هدف گلوله یکی از همراهان خائن قرار گرفت و در دم به شهادت رسید. وی هنگام شهادت حدود سی و چهار سال داشت. مبارزات رئیس علی دلواری برگ زرین دیگری در تاریخ مقاومت دلیر مردان ایران در مبارزه با استعمار است.